هفته نامهٔ

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان و مال جهادکنند محققاً آنان را به راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است

قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

سرمقاله

شناسنامهٔ الکترونیکی

ص۲

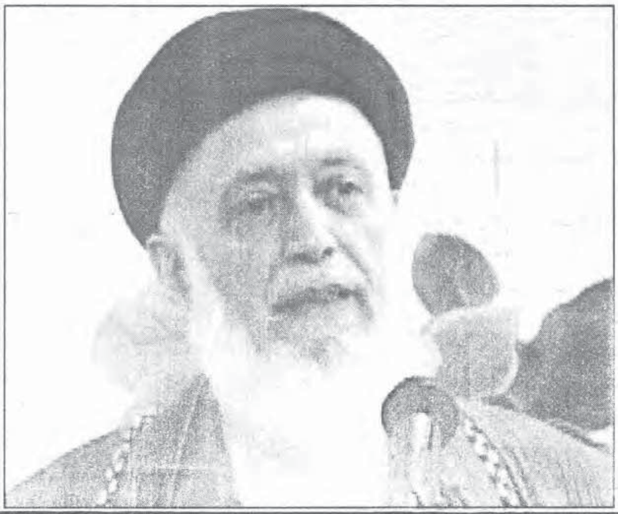
جمعیت اسلامی افغانستان

در آستانهٔ تدویر کنگره (مجلس بزرگ)

ص۳

دور ششم – سال نهم – شمارهٔ سی و دوم ۲۷ قوس ۱۳۸۹ ۱۱ محرم ۱۴۳۱ - 18 December 2010

رئیس شورای عالی صلح به هرات سفر نمود



در پی تلاش های صلح جویانه، استاد برهان الدین ربانی رئیس شورای عالی صلح در رأس یک هیئت، روز سه شنبهٔ هفتهٔ گذشته ۲۳ قوس به هرات سفر نمودند.

هدف از سفر استاد ربانی را افتتاح نمایندگی شورای عالی صلح در غرب افغانستان و همچنان صحبت و گفتگو با مقامات محلی و متنفذین قومی بوده است.

رئیس شورای عالی صلح در نشست با مقامات محلی هرات گفتند: تلاش‌هایی جهت رسیدن به صلح آغاز شده و در این راستا دست‌آوردهایی هم به دست آمده است، همه باید در این تلاش باشیم تا این پروسه وسعت بیشتری پیدا نماید. زیرا صلح به منفعت مردم و کشور ما می باشد.

استاد در دومین سفر کاری اش این بار به هرات رفت و در جلسهٔ مشورتی با مسؤلان و متنفذین آن ولایت اشتراک نمود.

به گفتهٔ استاد، با مخالفان دولت تماس‌ها صورت گرفته، اما به دلایل خاصی نمی‌تواند آن را افشا نماید. رئیس شورای عالی صلح، یک بار دیگر در هرات از مخالفین دولت خواست که از مخالفت دست بکشند و شامل پروسهٔ ملی صلح گردند.

دو هفته قبل (۱۵ قوس) استاد برهان الدین ربانی رهبر جمعیت اسلامی و رئیس شورای عالی صلح سفری به ولایت قندهار داشتند که والی های حوزهٔ جنوب غرب کشور در آن ولایت گرد آمده و روی پروسهٔ چگونگی اوردن صلح و صحبت با مخالفین تبادل نظر نمودند.

امریکا و بازنگری در استراتژی افغانستان

ص۲



مرگ هالبروک

ابوبکر سبزوار

ریچارد هالبروک نمایندهٔ خاص امریکا در افغانستان و پاکستان و یکی از پرکارترین و با تجربه ترین دیپلومات های این کشور، روز جمعه در واشنگتن درگذشت. هالبروک را دوستان و همکارانش به خاطر سخت کوشی و پشتکارش که اصلا خستگی را نمی شناخت، بلدوزر لقب داده بودند. او روز جمعه در جریان کار به صورت ناگهانی دچار حملهٔ قلبی گردید و به شفاخانه انتقال یافت. دوبار عمل جراحی نتوانست او را از چنگال مرگ برهاند. هالبروک هنگام مرگ ۶۹ سال داشت.

ریچارد هالبروک در ۲۴اپریل ۱۹۴۱ به دنیا آمد. در سابقهٔ کاری وی از مدیریت مسوول مجله گرفته تا نویسندگی، تدریس، عضویت در هیئت های صلح و سرمایه گذاری در بانک دیده می شود.

هالبروک از سال ۱۹۷۷ الی ۱۹۸۱ مشاور وزارت امور خارجهٔ امریکا در امور آسیا و از ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۶ مشاور وزرات خارجهٔ این کشور در امور اروپا بود. از این لحاظ او تنها فردی محسوب می شود که در مقام مشاور وزارت خارجهٔ امریکا را در دو منطقهٔ متفاوت از جهان به عهده داشت. او از سال ۱۹۹۳ الی ۱۹۹۴ سفیر امریکا در آلمان بود.

اوج شهرت هالبروک زمانی بود که وی به عنوان نمایندهٔ امریکا در بالکان، توانست زمینه را برای معاهدهٔ دیتون در سال ۱۹۹۵مساعد سازد که به جنگ در بالکان خاتمه داد. هالبروک از سال ۱۹۹۹ الی ۲۰۰۱ سفیر امریکا درسازمان ملل متحد بود.

هالبروک در انتخابات سال ۲۰۰۴ امریکا مشاور جان کیری و در انتخابات مقدماتی سال ۲۰۰۸ امریکا مشاور هلیری کلنتن بود.

وی در ۲۲ جنوری ۲۰۰۹ بحیث نمایندهٔ خاص امریکا برای افغانستان و پاکستان مقرر گردید و تا پایان حیات به این کار ادامه داد.

هالبروک از دیپلومات هایی بود که به صراحت لهجه شهرت داشت. همکارانش به این باور اند که این صراحت لهجه در موفقیت ماموریت های هالبروک دارای نقش و اثر بود اما وی می دانست که در کجا و کدام موارد از این شیوه بهره بگیرد.

ص۵



سفر سترجنرال بسم الله محمدی وزیر داخله به شمال کشور

و امیدواری ها برای بهترشدن امنیت

ص۶

انتخابات مجلس نمایندگان و موضعگیری ها

ص۵

مقولهٔ فساد اداری و ابعاد گستردهٔ آن در افغانستان



عبدالعلی کوهی استاد دانشگاه کابل

برخی از حرکات و قیام های مسلحانه که در تاریخ اسلام وجود دارد، به هدف مبارزه با فساد، ظلم، استبداد، زورگویی و اصلاح جامعه صورت گرفته است. قیام کربلا به وسیلهٔ امام حسین رضی الله عنه، قیام مسلمانان در برابر صلیبی ها، جنبش های اسلام در پاره یی از کشورهای اسلامی، جهاد و مقاومت مردم افغانستان، در گام نخست به هدف بازگشت این ارزش ها انجام پذیرفته است.

این قیام ها در شرایطی به وقوع پیوست که ارزش های انسانی و عدالت به دار آویخته شده بود؛ به سخن دیگر ارزش ها ضرر می دیدند، انسان های بیرحم بر جامعه مسلط گردیده بودند؛ به همین مناسبت بی مورد نیست که مبارزه با فساد در افغانستان باید به یکی از وجایب ملی تبدیل گردد؛ زیرا دروغ دین نیست، اختلاس دین نیست، اسلام حقیقت است، نباید جوهر اسلام را فساد و هنجاری بپوشاند.

امروز مردم افغانستان در یک مظلومیت آشکار قرار گرفته اند، افزون بر بدامنی یک نوع بی عدالتی و بی تفاوتی در برابر حقوق مردم در جامعه وجود دارد. بالای این مردم نامهربانی های زیادی صورت گرفته است. امروز هستند کسانی که آزار دیگران را برای خود راحت و آرامش تلقی می کنند و هیچ گاه حاضر نیستند، رنج، درد و غم دیگران را با خود تقسیم کنند، در حالی که در جامعهٔ اسلامی باید آزار دیگران را آزار خود دانست و ضرر دیگران را ضرر خود؛ زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم گفته است که: آنچه بر خود نمی پسندی بر دیگران مپسند.

امروز در جامعهٔ افغانستان رشوت، غارت، دزدی، تجاوز جنسی، نبود محاکم عادل و کارآ چه رابطه یی با جامعه اسلامی آزاد دارد؟ از نظر دانشمندان علوم سیاسی مثل: هابز، روسو، پوپر و دیگران قدرت فساد تولید می کند، انسان گرگ انسان است. باید این خواسته های بی حد و حصر انسان ها در یک چوکات طبیعی و انسانی مهار گردد. در غیر آن، این انسان آنچه را در این قلمرو می بیند، از آن خود می داند، همه زیبایی ها و سرمایه های کلان را برای خود می خواهد.

بی مورد نیست که همه روزه به میزان قصرهای سر به فلک کشیده افزوده می شود، شهرک های رنگارنگ شخصی بیشتر می گردد. جای دارد که در یک قانونیت اسلامی و شفافیت باز به همهٔ این سرمایه هایی که از طریق دزدی و اختلاس به وجود آمده است، رسیدگی گردد.

باید بپذیریم که دهشت افگنی، تروریزم، مواد مخدر و فساد اداری در افغانستان از پدیده های وارداتی است که با آمدن ادارهٔ موقت و انتقالی در این کشور قد برافراشته و تنومند گردیده است. بسیاری از دشواری ها و عوامل فساد با وسیلهٔ کشورهای خارجی و به کمک مافیای داخلی در داخل کشور چاق و فربه شده است. در پشت هر دزدی کلان دست یک انسان قدرتمند و کشور قدرتمند وجود دارد. این موارد با هم ارتباط نزدیک دارند.

در سال های اخیر پدیده مواد مخدر و فساد اداری رو به توسعه گذاشته است که از تبعات منطقی آن فروپاشی نظام اقتصادی، اداری، نظامی و سیاسی در کشور بوده است؛ زیرا دیگر مافیای قدرت و سرمایه مالک این سرزمین است و دیگران فقط نظاره گر آن می باشند. غارت بیت المال، زمین های دولتی، سرقت های کمک ها کشور های ذیدخل، این مافیای داخلی را نیرومند ساخته است. این پول های حرام و غیر مشروع در واحد های کوچک اقتصادی و بعضاً واحد های بزرگ قرار می گیرد و خود را به نام متشبثین ملی کوچک و بزرگ در جامعه قلمداد می کنند. این پول های غیر مشروع و دزدیده شده به خرید زمین، ساخت شهرک های رنگارنگ می پردازد. این پول های غیر قانونی که از سرمایه بیت المال و مواد مخدر تراکم نموده است، به همدستی تاجران بین المللی به عنوان مختلف به خارج از کشور انتقال می یابد و به صورت کالاهای وارداتی دوباره به داخل کشور برگشت داده می شود. در این اواخر بی مورد نیست که قاچاقبران مواد مخدر توسط شبکه های بین المللی در داخل کشور نفوذ کرده است.

به همین مناسبت روز جهانی مبارزه با فساد (۱۵ سپتمبر مطابق ۲۴ قوس) در کابل گشایش یافت که در آن همایش رئیس دولت و ارکان بلند پایهٔ آن شرکت ورزیدند. رئیس دولت در این همایش از فساد گستردهٔ خارجی ها سخن گفت و اصرار کرد که فساد بزرگ را این خارجی ها به کشور به وجود آورده اند و نمونه های آن را در قراردادهای بزرگ، شرکت های امنیتی دیده می توانیم و راه بیرون رفت از این معضل را افغانی شدن اداره در افغانستان خواند؛ به سخن دیگر توزیع قدرت و سرمایه باید به دست افغان ها صورت گیرد و در سال ۲۰۱۴م دیگر افغانستان صلاحیت تداوم حاکمیت خود را داشته باشد و دیگر بهانه یی در این راستا وجود نداشته باشد.

از سخنان رئیس دولت فهمیده می شود که هر قدر تداوم اشغال در کشور بیشتر گردد، به همان تناسب به میزان فساد، مواد مخدر و مافیای قدرت و سرمایه افزوده خواهد شد. گویا فساد گستردهٔ اداری به موجودیت این خارجی ها بستگی دارد. دولت اصرار دارد که از چند و چون قراردادهای بزرگ میان خارجی ها و مافیای داخلی اطلاع ندارد و دستگاه قضایی و عدلی کشور نمی تواند به این حسن متحصن که خارجی ها ایجاد کرده اند، رخنه ایجاد کند و از شیوه های کار آن ها پرسش به عمل آید.

روی همین اساس بحران شفافیت در کشور بدون شک با خارجی ها در پیوند بوده و این خارجی ها موجودیت خود را در این بازار آشفتهٔ سیاسی، اقتصادی و نظامی می بینند، روی همین اساس این خارجی ها به ویژه امریکا و انگلیس هیچگاه علاقه نداشته اند که یک حاکمیت قانونمند، کارآ و حساب ده در افغانستان ایجاد گردد. ظرف بیشتر از ۹ سال این خارجی ها فقط با شعارها زندگی نموده اند و این خارجی ها به بهانهٔ مبارزه با دهشت افگنی، استقرار نظام سیاسی، حکومت داری خوب، ایجاد دیموکراسی، حقوق زن وغیره در این کشور حضور داشته اند، دیده می شود که در پشت این شعارها اهداف بزرگتری را در این منطقه یی از جهان دنبال می نمایند؛ به سخن دیگر استراتیژی این نیروها بالاتر از منافع شان در افغانستان است و این کشور ها با آن استراتیژی کلان چشم دوخته اند.

آنچه از نظر نویسنده از سخنان بلند پایه گان دولت فهمیده می شود یک پیوند ارگانیک میان خارجی ها و عناصر فساد پیشه داخلی است که چنین فساد گسترده را در کشور به وجود آورده است. به گفتهٔ مقامات دولتی اکنون در کشور، اختلاس، رشوه، غصب زمین، مردم آزاری، بی قانونی، سرقت های مسلحانه و ده ها موارد منفی دیگر وجود دارد. باید گفت که کاهش فساد بستگی به یک نظام قانونمند، حسابده و کارآ دارد.

تا زمانی که در ساختار های عدلی و قضایی بازنگری صورت نگیرد و ریشه های بحران و فساد به بررسی گرفته نشود، نمی توان با سردادن یک چنین شعارها و غرب ستیزی و اشک ریختن، وظیفهٔ خود را پایان یافته انگاشت. در کشوری که بدنهٔ آن از سوی مافیای قدرت و خارجی ها تعیین می گردد، وزیر، والی و رئیس به منافع این مراکز قدرت توجه ندارند، عناصر فساد پیشه، بد نام، دزد و بی کفایت هم اکنون زمام امور را نه تنها در مرکز کشور بلکه، در ولایات به دست دارند، دادن شعار بر ضد فساد، بدون ارائه و راهکارهای علمی و منطقی به چشم مردم خاک انداختن خواهد بود، در صورتی که این حاکمیت با چنین شیوهٔ به حیات خود ادامه دهد، بحران دامنگیر کشور خواهد شد.

جمعیت اسلامی افغانستان در آستانهٔ

تدویر کنگره (مجلس بزرگ)

فیض

جمعیت اسلامی افغانستان، به منظور بازسازی این سازمان دارای دامنهٔ وسیع یا حزب جامع الاطراف درنظر دارد تا در آیندهٔ بسیار نزدیک کنگره بزرگی را دایر نماید. اما قبل از دایر شدن مجلس بزرگ (کنگره)، قرار است مجلس مقدماتی با اشتراک حدود ۵۰۰ تن از اعضای بلند پایهٔ جمعیت اسلامی افغانستان در کابل مرکز کشور دایر گردد که جهت پیشبرد آن کمیته هایی موظف و فعالیت های شان درین راستا آغاز یافته است.

در همین راستا، اعضای کمیته های برگزاری مجلس مقدماتی و مجلس عمومی (کنگره) و تعدادی از اعضای جمعیت اسلامی افغانستان روز یکشنبهٔ هفتهٔ گذشته در دیداری که با محترم استاد برهان الدین ربانی رهبر این تنظیم داشتند، استاد ضمن استقبال از این تصمیم گفتند که دیگر نباید مردم را در انتظار قرار دهیم باید هرچه زودتر مجلس عمومی جمعیت دایر گردد.

استاد افزودند: آنچه در یک حزب سیاسی مهم است هدف و اعتبار آن است که لله الحمد جمعیت اسلامی افغانستان در نزد مردم افغانستان و جامعهٔ جهانی از اعتبار خوبی برخوردار است. اما احزابی که پایهٔ مردمی ندارند و دولت ها به خاطر منافع شان بنیانگذاری می کنند، اعضای آن نیز فقط روی اهداف زودگذر و احراز پست ها گرد آن جمع می شوند. که نتیجه آن جز از هم پاشیده شدن آن در یک مدت کوتاه نخواهد بود.

استاد فرمودند: آنچه در تحولات سیاسی مهم و عمده بحساب می آید، هدف، ایمان، تعهد و انگیزه است که خوشبختانه جمعیت اسلامی افغانستان از این ها برخوردار است. ما در دوران جهاد و مقاومت، شاهد بودیم که چون مردم ما از انگیزه و ایمان و تعهد برخوردار بودند، از این گرداب ها پیروز و موفق بدر آمدند.

استاد افزودند: جمعیت همیشه در اصلاحات پیشگام بوده و یک سازمان فراقومی است و هیچ کسی منکر آن شده نمی تواند. مثلاً چندی پیش به ولایت قندهار سفری داشتم، یکتن از قندهاری ها ایستاد و خطاب به من گفت: «استاده! چی وینی یکار دی ورکوم.» و همچنان یک تن از مولوی صاحبان گفت: «موږ یو امام ته بیعت کړی یو بس دی» که هدفش استاد ربانی بوده است.

استاد خطاب به اعضای جمعیت اسلامی گفت: اعضای جمعیت اسلامی در مرحلهٔ رشد سیاسی و فرهنگی و اجتماعی رسیده اند باید جمعیت را نهادینه بسازیم. فعالانه کار نماییم. و از همه مهمتر در بخش فعال سازی نهادهای تعلیمی توجه شود.

در این نشست محمد نسیم فقیری رئیس دارالانشاء، عبدالستار مراد مسوول بخش سیاسی، واقف حکیمی مسوول بخش تشکیلات، مولوی شیرین مسوول ولایتی وردک، خلیل هدف عضو شورای عالی جمعیت، محراب الدین خان سابق استاد حربی پوهنتون جمعیت اسلامی در پشاور و تراب یکی از اعضای فعال جمعیت از وردک، روی ضرورت بازسازی جمعیت اسلامی صحبت نموده، و بر برگزاری هرچه زودتر مجلس عمومی تأکید ورزیدند.

پیشینهٔ تاریخی زبان و ادبیات عربی و دری قبل از اسلام

۲

تکساری

پیونـد زبـان وادب دری بـر عربـی، قبـل ازاسـلام، ازقـرن شـشم ق م از عهـد هخامنـشی هـا وحکومـت آشـوری هـا و تقسیم آن در بـین مادهـا و کلـده آغـاز مـی یابـد. دریـن پیونـد و روابط چنـد عامـل مهـم وجـود دارد کـه مـی تـوان از عـواملی چون: نظـامی، سیاسـی، تمـدنی، اجتماعی وهمجواری نام برد.

عوامل نظامی و سیاسی:

روابط بـین سـر زمـین هـای عـرب و پـارس بـه زمـان هـای قدیم: بـه ویـژه از عهـد کـوروش خـــــوالی (۵۶۰- ۵۲۹ق م) شـروع و تـا عهـد داریـوش کبیـر امتـداد مـی یابـد. دامنـهٔ نفـوذ پـارس قـدیم شـامل هـلال سـبز مـی گـردد کـه مـشمول سـوریه ومصرمی باشد.

وقتـی کـوروش شاهنـشاهی بـزرگ را در بابـل پایتخـت کلـده اسـاس گذاشـت، خـانواده هـای بـزرگ عربـی، تحـت فرمـانروایی ایـن شاهنـشاهی قـرار داشـتند. کـوروش اکثـر منـاطق شـرق میانه را در تـسلط خـود داشـت و ایـن فرمـانروایی، دو و یـا بیـشتر از دو قـرن(۵-۶ ق م) را احتـوی می نمـود. دولـت شاهنـشاهی در سـرزمین هـای عـرب دخالـت مـستقیم نمـی نمـود؛ بلکـه ادارهٔ آن را بـه سـران قبیلـه هـای محلـی واگـذار مـی کـرد و خـود بـر آن نظـارت داشـت، سـران قبیلـه هـا سـالانه بـه دربـار شاهنشاهی باج می پرداختند.

داریـوش در فـتح سـرزمین های عربـی از نیـروی عـرب هـا استفاده می نمـود؛ طـوری کـه در فتح مصر چـنین کـاری را انجـام داد. داریـوش از دریـای نیـل تـا خلـیج فـارس بـه حفـر کانـال همـت گماشـت، ایـن کانـال هـم اکنـون مـورد اسـتفادهٔ کـشتی های تجـارتی قـرار دارد. د ر ایـن شکی وجـود نـدارد کـه فـاتح این سرزمین هـا بـه نـشر داشـته های تمدنی و زبـانی خـویش بـه ایـــن منـــاطق پرداختـــه و ورود واژه هـــای پهلـــوی بـــه دنیـــای عـرب از ایـن زمـان آغـاز مـی یابد. گسترش و تـأ ثیرفارسـی بـر عربـــی، از قبیـــل واژه هـــا و مظاهرتمـدنی بـه منـاطق عربـی بعد از میلاد نیز ادامـه یافـت کـه بـه بـرخ از مظـاهر آن پرداختـه مـی شـود. شـاپور اول مـسما بـه ذوالاکتـــاف (۳۰۹-۲۹۷م) بـــه برخـی از سـرزمین هـای شـرقی عرب اسـتیلاء یافـت و بـه مـرور زمـان بـه بحـرین، هجـر و بـلاد عبـدالقیس را در جنـوب تـصرف نمـود و بـه دنبـال آن سـرزمین های کنونی عـراق، بکـر و تغلـب را در شـام بـه تـصرف خـود در آورد و اسـرای عـرب بکـر بـن وائل را در کرمـان و بنـی حنظلـه را در اهواز اسکان داد.

تسلط پارس ها بر یمن:

وقتـی حبـشی هـا سـرزمین یمـن را اشـغال نمودنـد، سـیف ذی یـزن شـهزاده حمیـری از قیـصر روم خواسـت، تـا او را در ایـن مهـم کمـک کنـد و حبـشی هـا را از سـرزمین خـویش بـرون رانـد؛ امـا قیـصر روم نظربـه کـم اهمیـت بـودن موضـوع، بـه ایـن کار جواب رد داد.

نعمان بـن منـذر وی را بـه دربـار خـسرو اول معرفـی کـرد، تـا از وی تظلـم خـواهی نمایـد و در پیـروی رانـدن بیگانگـان از وی کمـک بخواهـد. کـسری وی را مـورد نـوازش قـرار داد و حمایـت وی لـشکر منظمـی را تحت قیـادت (هرمـوز) بـه سـوی یمـن فرسـتاد و در فرجـام بعـد از جنـگ هـای شـدید در یمـن حبـشی هـا را از ایـن سـرزمین رانـدنـد و سـیف ذی یـزن را در یمن به سـال(۵۷۰ م) بـه اریکـهٔ قـدرت نـشاندند. بعـد از سـیف ذی یـزن، پارسـی هـا مـدت نزدیـک بـه ۵۰ سـال یمـن را بـه طـور مـستقیم اداره مـی کردنـد کـه آخـرین فـرد پارسـی کـه در ادارهٔ یمن منـسوب گردیـد ه بـود (بـازان) نـام داشـت کـه در سـال ۶۲۸ م مـسلمان شـد. پـارس هایی کـه بـا سـیف ذی یـزن در یمـن اسـکان یافتـه بودنـد و بـا اعـراب ازدواج نمـوده بودنـد، بـا آنها بنـوالاحرار یـا پـسران نجبـاء می گفتند. اخلاف آنهـا مـدت هـا نیـز ایـن نـام را بـه خـود حفـظ نموده بود نـد، ایـن نـام چنـد بـار در شـعری از امیـه بـن ابـی الـصلت آمـده اسـت کـه آن را پـیش سـیف ذی یـزن در حـضور هیئـت نماینـدگان عـرب کـه بـرای تبریـک و تهنیـت او، بـه مناسـبت پیـروزی اش بـه یمـن آمده بودند قرائـت کـرد. در میـان حاضـران در آن مجلـس عبـد المطلـب کلیـد دار کعبـه هـم حضور داشـت کـه ریاسـت هیئـت بزرگـان قـریش را بـه عهـد ه داشت. خاقانی چنـد بـار از او نـام بـرد ه و از جملـه درایـن بیـت او می خوانیم:

پروردگان مائده خاطرمنند

گرخود به جمله جز پسر ذوالیزن نیند

بـین اعـراب شـمال و یمـن رابطـهٔ نزدیـک وجـود داشـته و پیـروزی یمنـی هـا برحبـشی هـا یـک پیـروزی ملـی محـسوب مـی شود؛ بدین ترتیـب ملاحظـه مـی شـود کـه برخـی از قبایـل عـرب قبل از اسلام تحـت نفـوذ پـارس ها قـرار داشـته اسـت. مـی تـوان تـصور کـرد کـه ایـن موفقیـت سیاسـی بایـد تـاثیری بزرگـی بـر زبان عربی گذاشته باشد.

تسلط پارس ها برحیره اطراف و جوانب آن:

ایـن تـسلط بـه احتمـال قـوی در عهـد ارد شـیر (۲۲۶-۴۴۱م) بـر قـرار مـی گـردد، تـا اینکـه خالـد بـن ولیـد در سـال ۶۳۳ آن را فـتح نمـود. درایـن مدت طـولانی حیـره تحـت نفـوذ پـارس هـا قـرار داشـته و مرکـز تبادلـهٔ تجـارتی و تمـدنی میـان فارس وعرب بوده است.

نفـوذ و تـسلط پـارس هـا در شرق جزیرهٔ العرب:

وقتـی نفـوذ ساسـانیان در شـرق جزیـرهٔ العـر ب گـسترش یافـت، امـراء و حکـام ایـن منـاطق از سـوی ساسـانیان تعیـین مـی گردیدنـد. سـلاطین ساسـانی در ایـن منـاطق مراکـز و محـل هـای مرزبـانی را بـه هـدف حفـظ امنیـت بـه وجـود آوردنـد، تـا از شـورش و اغتـشاش احتمـالی در میـان قبایل جلوگیری بـه عمـل آیـد و کـاروان هـای تجـارتی را کـه از پـارس بـه سـوی یمـن تـردد داشتند، حراست نماید.

اصـفهانی در مـورد ایـن مراکز نگهبانی می گوید:

(از سـوی حکـام قـدیم پـارس ۱۶ مرکـز مرزبـانی احداث گردیـده اسـت) سیبخت سـرزمین کنـده و حـضرموت را در اختیـار داشـت تـا اینکـه ایـن سمت بـه سـنداد واگـذار گردیـد. از سـیبخت بناهـایی بـه یادگـار مانـده اسـت کـه از جملـه قـصر ذی الـشرفات مـی باشـد ایـن قصر از شـهرت خـوبی برخـوردار می باشد، طـوری کـه اسـود بـن یعفـر در مـورد ایـن قـصرمی گوید:

اهل الخورنق والسدیر و بارق

والقصر ذی الشرفات من سنداد

ایـن قـصر دارای باروهـای زیبـا و دهلیزهـای قـشنگ بـوده اسـت. اکنـون افـزون برقـصر ذی الـشرفات از قـصرخورنق، سـدیر و بـاریق نیـز شـاعر یـادآوری کـرده اسـت کـه سـیبخت در قلمرو خویش آن هـا را بنـا کـرده است. بـه همـین گونـه بحـرین از سوی ملک فـارس اداره مـی شـد و منذر بن ساوی کـه بـه اسـبدی مـشهور بـود، بـراین سـرزمین حکومت مـی کـرد. در هجـر نیـز مرزبـان از سـوی ساسـانیان تعیین مـی گردیـد، وقتـی رسـول اکـرم صـلی الله علیـه وسـلم بـه اسـبدی و منـذر بـن سـاوی از طریـق نامـه آن هـا را بـه اسـلام دعـوت کـرد، آن هـا دعـوت رسـول کـریم را پذیرفتنـد و بـه اسلام رجـوع نمودنـد. بـه پیـروی از آنهـا سـایر اعـراب بـه اسـلام گرویدنـد؛ هرچنـد پـارت هـای اشـکانی قبـل از ساسـانی هـا بـه بخـش هـایی از سـرزمین هـای عـرب مـسلط گردیـده انـد؛ امـا دورهٔ ساسـانی هـا در توسـعهٔ روابـط عـرب و پـارس دوره مهمـی محـسوب مـی گـردد. درایـن دوره اسـت کـه میـان پـارس و اعـراب بـه قـصد دسـت یـابی بـه قـدرت، بـر یکـدیگر فـشارهای مهلکـی وارد مـی کردند.

ادامه دارد

قیام امام حسین وحادثه کربلا

علامه اقبال لاهوری

هر که پیمان با هوالموجود بست
گردنش از بند هر معبود رست
مؤمن از عشق است و عشق از مؤمنست
عشق را ناممکن ما ممکن است
عقل سفاک است و او سفاک تر
پاک تر چالاک تر بیباک تر
عقل در پیچاک اسباب و علل
عشق چوگان باز میدان عمل
عشق صید از زور بازو افکند
عقل مکار است و دامی میزند
عقل را سرمایه از بیم و شک است
عشق را عزم و یقین لاینفک است
آن کند تعمیر تا ویران کند
این کند ویران که آبادان کند
عقل چون باد است ارزان در جهان
عشق کمیاب و بهای او گران
عقل محکم از اساس چون و چند
عشق عریان از لباس چون و چند
عقل می گوید که خود را پیش کن
عشق گوید امتحان خویش کن
عقل با غیر آشنا از اکتساب
عشق از فضل است و با خود در حساب
عقل گوید شاد شو آباد شو
عشق گوید بنده شو آزاد شو
عشق را آرام جان حریت است
ناقه اش را ساربان حریت است
آن شنیدستی که هنگام نبرد
عشق با عقل هوس پرور چه کرد
آن امام عاشقان پور بتول
سرو آزادی ز بستان رسول
الله الله بای بسم الله پدر
معنی ذبح عظیم آمد پسر
بهر آن شهزاده ی خیر الملل
دوش ختم المرسلین نعم الجمل
سرخ رو عشق غیور از خون او
شوخی این مصرع از مضمون او
در میان امت آن کیوان جناب
همچو حرف قل هو الله در کتاب
موسی و فرعون و شبیر و یزید
این دو قوت از حیات آید پدید
زنده حق از قوت شبیری است
باطل آخر داغ حسرت میری است
چون خلافت رشته از قرآن گسیخت
حریت را زهر اندر کام ریخت
خاست آن سر جلوه ی خیرالامم
چون سحاب قبله باران در قدم
بر زمین کربلا بارید و رفت
لاله در ویرانه ها کارید و رفت
تا قیامت قطع استبداد کرد
موج خون او چمن ایجاد کرد
بهر حق در خاک و خون غلتیده است
پس بنای لااله گردیده است
مدعایش سلطنت بودی اگر
خود نکردی با چنین سامان سفر
دشمنان چون ریگ صحرا لاتعد
دوستان او به یزدان هم عدد
سر ابراهیم و اسمعیل بود
یعنی آن اجمال را تفصیل بود
عزم او چون کوهساران استوار
پایدار و تند سیر و کامگار
تیغ بهر عزت دین است و بس
مقصد او حفظ آئین است و بس
ماسوی الله را مسلمان بنده نیست
پیش فرعونی سرش افکنده نیست
خون او تفسیر این اسرار کرد
ملت خوابیده را بیدار کرد
تیغ لا چون از میان بیرون کشید
از رگ ارباب باطل خون کشید
نقش الا الله بر صحرا نوشت
سطر عنوان نجات ما نوشت
رمز قرآن از حسین آموختیم
ز آتش او شعله ها اندوختیم
شوکت شام و فر بغداد رفت
سطوت غرناطه هم از یاد رفت
تار ما از زخمه اش لرزان هنوز
تازه از تکبیر او ایمان هنوز
ای صبا ای پیک دور افتادگان
اشک ما بر خاک پاک او رسان

انتخابات مجلس نمایندگان و موضعگیری ها

مصباح شعیب

انتخابات دور دوم مجلس نمایندگان که به تاریخ ۲۷ سنبلهٔ سال جاری دایر گردید، چالش ها و تنش هایی را همراه داشت. گرچه تقلب و تخطی و زورگویی ها در کشوری که در حال جنگ قرار دارد و سه دهه است در ناامنی بسر می برد، زور و زر گردانندهٔ چرخ سیاست آن بوده و یک چیز عادی به نظر می رسد. زیرا در انتخابات ریاست جمهوری نیز مردم ما شاهد تقلب و تخطی گسترده بودند که حتی مشروعیت آن زیر سوال رفت.

در انتخابات دور دوم مجلس نمایندگان که بیش از ۲۵۰۰ تن خود را کاندیدا کرده بودند، جهت به دست آوردن ۲۴۹ کرسی مجلس نمایندگان نامزد و به رقابت پرداختند. به هرحال انتخابات دایر شد، افراد برندهٔ دور ابتدایی اعلام گردید. کمیسیون شکایات انتخاباتی ۲۷ تن از برندگان دور ابتدایی را بنا به تقلب و تخطی گسترده از لست حذف کرد، بالاخره از جانب کمیسیون مستقل انتخابات لست نهایی کاندیدان برنده به تاریخ ۲۷ میزان اعلام شد. اما با اعلان نامزدان پیروز سر وصداهایی بلند وکمیسیون مستقل انتخابات به تقلب وسیع و گسترده متهم شد. این اتهام ابتدا از طرف کاندیداهایی که برنده نشده بودند بلند شد، مظاهره و راه بندی ها در برخی ولایات صورت گرفت. در مرکز کابل نیز در وقفه ها شاهد راهپیمایی ها بودیم.

لوی سارنوالی در تقلب های گستردهٔ دور دوم ریاست جمهوری که طبل آن گوش ها را کر ساخته بود، خاموش بود، در این انتخابات صدا بلند کرد و گفت که اسناد و شواهدی به دست آورده اند که دال بر تقلب و تخطی می باشد و خواستار تحقیق در این زمینه گردید که موفق نشد پای کمیسیون های انتخاباتی را برای تحقیق بکشاند. بالاخره بعد از سروصدا های رسانه یی، لوی سارنوالی به دلیل آنچه که تقلب گسترده در انتخابات سال روان خوانده شد، روز شنبهٔ هفتهٔ گذشته از ستره محکمه خواست، تا نتایج نهایی این انتخابات را باطل اعلام نماید.

در واکنش به این تصمیم لوی سارنوالی، در همین روز، احمد ضیاء رفعت عضو و سخنگوی کمیسیون شکایات انتخاباتی گفت که تا « اکنون به صورت رسمی هیچ اتهامی از سوی لوی سارنوالی بر کمیسیون شکایات انتخاباتی وارد نه شده است. ما پس از این که اتهام را دریافت کنیم، واکنش رسمی نشان می دهیم، اما تقاضای باطل شدن نتیجهٔ انتخابات هرگز و هرگز از صلاحیت هیچ نهاد به شمول لوی سارنوالی افغانستان نیست.»

به گفتهٔ کمیسیون شکایات انتخاباتی، آنچه دوسیه هایی که در انتخابات تأثیرگذار بود به اتمام رسانیده اند و متباقی را زیر کار دارند. اما بازهم تأکید داشتند که هرگونه تصمیم در مورد تغییر در نتایج انتخابات صرف از طریق کمیسیون رسیدگی به شکایات انتخاباتی اتخاذ خواهد شد.

در همین حال، فضل احمد معنوی رئیس کمیسیون مستقل انتخابات در یک کنفرانس مطبوعاتی گفت، در جریان انتخابات از سوی برخی ها تلاش هایی جریان داشت تا بتوانند این چرخ را به سودشان بچرخانند اما ما قانونی عمل کرده و ارجی به این گفته ها نگذاشتیم.

آقای معنوی گفت: «در جریان انتخابات تلاش‌هایی وجود داشت که اگر بتوانند اشخاص، افراد و گروه‌ها چیزی را انجام بدهند. در حین اعلام نتایج ابتدایی هم تلاش‌هایی وجود داشته، در فاصله بین اعلام نتایج ابتدایی و نهایی هم این تلاش‌ها وجود داشته، ولی خوشبختانه کمیسیون مستقل انتخابات به هیچ خواست غیرقانونی هیچ شخصی در هرسطحی که بوده ارج نگذاشته، مستقلانه کار خود را انجام داده. ما هیچ‌گاه تسلیم کسی نشدیم و به صلاحیت خود مطابق قانون نتایج نهایی را اعلام کردیم.»

آقای معنوی افزود: « اشخاصی که نتوانسته‌اند به اهداف شخصی و گروهی خود دست پیدا بکنند ناگزیر از راه های مختلف دست به کار شدند. یکی از آن راه ها که فکر می‌کنند برای‌شان جواب مثبت داده، راه لوی‌سارنوالی بوده».

آقای معنوی در حالی که همه موضوعات مربوط به انتخابات را مربوط کمیسیون های انتخاباتی دانست گفت: « هیچ مرجعی جز کمیسیون مستقل انتخابات و کمیسیون شکایات انتخاباتی حق بازرسی، تفتیش و تحقیق موضوعات انتخاباتی را ندارد. بعد از اعلان نتایج نهایی رسما ولسی‌جرگهٔ جدید تشکیل شده، لغو پارلمان یا مشخصا ولسی جرگه را هیچ مرجع دیگری در افغانستان به شمول کمیسیون انتخابات و کمیسیون شکایات انتخاباتی ندارد.»

آقای معنوی که از این عمل لوی سارنوالی سخت برآشفته به نظر می رسید، افزود: « باطل کردن انتخابات خیال است و جنون است و محال.»

گمانه زنی ها بر این بود که از جانب آقای کرزی فشارهایی جهت راه یافتن کاندیدای خاصی بالای کمیسیون مستقل انتخابات وجود دارد که گفته های رئیس کمیسیون مستقل انتخابات بر این گمانه زنی ها مهر تأیید می نهد. چنانچه در اعلان نتایج کاندیدای برندهٔ ولایت غزنی آقای معنوی گفته بود: نگرانی های رئیس صاحب جمهور برای ما قابل درک است ای کاش قانون به ما اجازه می داد تا در رفع همهٔ این نگرانی ها می پرداختیم.

اینبار نیز از گفتهٔ‌آقای معنوی بر می آید که در عقب این تنش ها چیزهایی است که ایشان می دانند اما از افشای آن در حال حاضر خود داری می کنند، چنانچه، گفت: « در صورتی که بخواهند، قضیه برود به طرفی که ما از آن تشویش داریم یعنی بحران، در آن صورت ما باز آماده هستیم که همه آن چیزی که صورت گرفته و می‌گیرد و اهداف چه است، آن را هم در اختیار مردم افغانستان قرار دهیم.»

در حالی که تنش های انتخاباتی میان کمیسیون های انتخاباتی و لوی سارنوالی ادامه دارد و یکی دیگری را متهم به غیر قانونی بودن می نمایند. تعدادی از کاندیدای معترض عرصهٔ میدان انتخابات مجلس نمایندگان خود را مجبور می یابند سروصدا بلند کنند و راه های مرکز و برخی ولایات را بند سازند، هرچند نتیجه به چه خواهد انجامید، دقیقاً معلوم نیست. اما چیزی که آشکار است، این مردم اند که صدمهٔ بیشتر را مردم می بینند. و همچنان کاندیدای برنده با برپایی مجالس خواهان گرفتن حق شان اند که باید هرچه عاجل از جانب رئیس جمهور جلسهٔ مجلس نمایندگان افتتاح و به کارشان آغاز نمایند. اما حکومت اصرار می دارد که آنچه نهادهای عدلی و قضایی کشور حکم کند برآن پای بندند، طوری که در پای بندی شان به قانون در بسیاری عرصه ها مردم ما به خصوص نمایندگان شان در خانهٔ ملت آگهی دارند. و ظاهراً چنین آرام به نظر می رسند که آب از آب نجنبیده باشد! در حالی که در این کشور مشکلات را بالای مشکل خواهند افزود.

چنانچه سخنگوی رئیس جمهور، دوشنبهٔ هفتهٔ گذشته، این وضعیت در بارهٔ نتایج انتخابات ولسی جرگه را یک روند عادی دموکراسی خوانده گفته است، رییس جمهور کرزی، در روند انتخابات و نتایج آن مداخله نمی کند.

از جانب دیگر، اقای معنوی هشدار داده بود که ادامهٔ اختلافات موجود بر سر نتایج انتخابات، باعث به وجود آمدن بحران جدیدی خواهد شد که مهار آن مشکل خواهد بود. اما سخنگوی رئیس جمهور حتماً با عکس العمل این گفتهٔ رئیس کمیسیون مستقل انتخابات، به رسانه ها گفته است جنجال های برخاسته در بارهٔ نتایج انتخابات بحران به حساب نمی آید.

رییس، مرکز اطلاعات و رسانه های حکومت نیز هر فیصله یی را که ستره محکمه در مورد نتایج انتخابات مجلس نمایندگان صادر کند، مورد حمایت ریاست جمهوری خوانده است.

کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون اساسی که حدود یک سال از تشکیل آن می گذرد، از کمیسیون مستقل انتخابات و لوی سارنوالی خواستار آن شده است تا مشکلات شان را از راه قانونی حل نمایند. چندی قبل نیز کمیسیون نظارت بر تطبیق قانون اساسی در بی تنش های انتخاباتی گفته بود که، هر دو نهاد در قانون دسترسی و فهم دارند و بین آن ها در این زمینه وساطت می کند.

حال همهٔ این تنش ها را لوی سارنوالی طی پیشنهادی مبنی بر ابطال انتخابات به ستره محکمه گسیل داشته است. اما تا حال قوهٔ قضائیهٔ در این مورد صدایی بلند نکرده و به پیشنهاد سارنوالی هم جواب رسمی نداده است. در حالی که کاندیداهای معترض نیز به دروازهٔ آن نهاد قضایی سر زده و خواستار ابطال انتخابات دور دوم مجلس نمایندگان شده و از اقدام لوی سارنوالی حمایت نشان داده اند.

گرچه بنا به اظهارات کمیسیون های انتخاباتی، مطابق قانون همه امور مربوط به انتخاباتی از صلاحیت های آن ها بوده و نهادهایی دیگری حق دخالت در آن را ندارند. بازهم دیده شود اقدام قوهٔ قضائیه در این مرحلهٔ حساس چه خواهد بود.

اما هفتهٔ گذشته، در دیداری که نمایندگان پیروز دور دوم مجلس نمایندگان با آقای کرزی در ارگ ریاست جمهوری داشتند، آقای کرزی به آن ها وعده داده است که بعد از تکمیل اعضای مجلس سنا، در اوایل ماه دلو پارلمان جدید را افتتاح می نماید.

مرگ هالبروک...

روک به عنوان نمایندهٔ امریکا در افغانستان و پاکستان در سال ۲۰۰۹برای هالبروک چالش بزرگی بود. روابط تنش آلود میان افغانستان و پاکستان، پیچیدگی های وضع در افغانستان که به روابط میان هند و پاکستان هم رابطه می گرفت، مشکل امریکا با برنامهٔ اتومی ایران که می توانست روی اوضاع افغانستان نیز تاثیر منفی بگذارد از جمله مسایلی بود که ماموریت هالبروک را مشکل ساخته بود. رابطهٔ وی با رئیس جمهور کرزی نیز زیاد دوستانه و نزدیک نبود.

هالبروک زمانی چشم از جهان فروبست که قرار بود بازنگری در استراتژی امریکا در مورد افغانستان اعلام گردد. استراتژی یی که نظریات هالبروک در تدوین آن دارای نقش و اثر بود.

با توجه به رابطهٔ نه چندان صمیمانهٔ هالبروک با رئیس جمهور کرزی، گفته می شد که هالبروک با پاکستانی ها رابطهٔ نزدیک تر دارد. در رسانه های امریکا چندین بار حرف های انتقاد آمیزی از قول هالبروک در مورد رئیس جمهور کرزی نقل شده بود.

هالبروک از کسانی بود که در تدوین استراتژی جدید اوباما در مورد افغانستان نقش مهم داشت و مرگ وی نیز در بازمانی مصادف شد که این استراتژی مورد بازنگری قرار گرفت. هالبروک در این بازنگری هم نقش داشت.

به صورت کلی در مورد ماموریت هالبروک در افغانستان و پاکستان می توان گفت که وی به موفقیت چشمگیری در این منطقه دست نیافت و بزرگترین دغدغهٔ خاطر وی حتی تا دم مرگ هم همین بود که چگونه از این ماموریت بتواند موفق بدرآید. گزارش هایی در دست است که هالبروک قبل از رفتن به اطاق عمل، به جراح پاکستانی خود و بعضی از بستگانش گفته بود که جنگ در افغانستان را باید متوقف ساخت. وی با وجود تاکید دکتوران به اینکه باید آرام باشد، حتی در آن زمان نیز در مورد ماموریت خویش در افغانستان و پاکستان صحبت کرده بود.

هالبروک در جریان ماموریت خویش تلاش نمود تا روابط میان افغانستان و پاکستان را به صورت نسبی بهبود بخشد و در این راه تا حدی موفق بود. از جمله اقدامات وی در جهت ارتقای سطح مراودات تجارتی میان افغانستان و پاکستان در قرار داد جدید ترانزیت میان افغانستان و پاکستان دیده می شود. در پاکستان و افغانستان باور اینست که تلاش های هالبروک در متقاعد ساختن پاکستان به بازنگری در قرارداد ترانزیت نقش مهم داشت.

هالبروک می دانست که مشکل افغانستان یک مشکل منطقوی است و به همین دلیل وی در جهت بهبود روابط هند و پاکستان نیز دست به اقداماتی زد و سفرهایی در این رابطه به هند داشت.

اکنون سوال اینست که دولت اوباما چه کسی را جانشین هالبروک خواهد ساخت؟ برای این کار به شخصی نیاز است که با وضع پیچیده در منطقه به خوبی آشنا بوده و در عین حال بتواند اعتماد رهبران دو کشور افغانستان و پاکستان را به خود جلب نماید.



روستا های افغانستان و لزوم توجه به نیازمندی های آن

اندیشه

نه سال می شود که جامعهٔ جهانی در کنار دولت و مردم افغانستان مصروف بازسازی و بهسازی هستند، در این مدت کارهای در گوشه وکنار کشور صورت گرفته است، اما آن چنان که می بایست کارهای در خور توقع مردم، در روستا ها انجام نشده است و روستاهای افغانستان که بخش بزرگی از جمعیت و نفوس را در بطن مجروح خود پناه داده است، از دید دولتمردان و جامعهٔ جهانی تقریباً به دور مانده است.

مافیای قدرت و بدنه های مرتبط به آن، امکاناتی را که برای رفاه مردم افغانستان از سوی دستان سخاوتمند دنیا عرضه شده بود به یغما برد.

هر چند در چوکات تشکیلات دولت، نهادی به نام (وزارت احیا و انکشاف دهات) وجود دارد، اما این وزارت به دلیل حجم بزرگ از چالش ها و عدم درک واقعی مشکلات نتوانسته است، در مرفوع ساختن آنها اقدام نماید. این که چرا دولت به روستاها توجه شایانی نکرده است، پاسخ این پرسش روشن است و آن این که بسیاری از تصمیم گیران، به دلیل حضور خود و خانواده ها در شهرها و عدم ارتباط با روستاها مشکلات آنها را احساس نمی کنند. طی نه سال گذشته انگیزهٔ بیشتری برای رسیدگی به مسائل شهرها و تأمین رفاه شهرنشینان صورت گرفته است که در این راستا نیز متأسفانه دولت چندان دست آوردی نداشته که نمونه آن را در پایتخت می بینیم.

این امر بازهم سبب شده است که دانسته یا ناخواسته از سهم روستاها برای توسعه، عمران و کار آفرینی یعنی ایجاد اشتغال جلو گیری شود. در همین حال ادعا هایی وجود دارد که در روستاها کارهای زیاد صورت گرفته است، اما اعتقاد ما بر این است که اجرای طرح های پراکنده بر مبنای سود جویی های مقطعی و از روی ناچاری بدون چشم انداز روشن برای توسعه پایدار، در روستاها نمی تواند میزان فقر و محرومیت ها را کم بسازد.

چالش های عمده:

همانگونه که گفته شد امروز مردمان ده نشین ما در تمامی زمینه ها و بخش های زندگی محروم اند، اشتغال وجود ندارد، ازآب آشامیدنی و آب برای احیای زراعت، محروم اند. انرژی برق، حتی در برخی از شهر ها وجود ندارد، چه برسد به دهات، جاده، خدمات صحی، امنیت، مخابرات، مکتب، مراکز فرهنگی جانبی، بهسازی روستاها، امکانات ورزشی، امکانات تفریحی و مانند آن ها که نیازمندی های انسان قرن ۲۱ به حساب می رود، متأسفانه مردم افغانستان هم در دهات و هم در شهرها از آنها محروم اند.

این سوال که گویا درکشور جنگ است رسیدگی به دهات را نا ممکن می سازد، یک حرف تبلیغاتی بیش نیست، زیرا طی نه سال گذشته اگر در جنوب کشور جنگ بود اما چرا به روستا نشینان شمال و شمال شرق و غرب کشور توجه صورت نگرفت؟ امروز وقتی شما به روستا های ولایات آرام شمال سفر نمایید، آثار محرومیت، فقر و تنگ دستی را به خوبی مشاهده می کنید.

اثرات ناگوار بیکاری:

اثرات بیکاری و تهی دستی در روستاها سبب شده است که توانمندی کارهای شاقه و فزیکی را دارند به کشورهای همسایه به خصوص کشورهای همسایه مهاجرت نمایند.

بی کاری و بی روزگاری مردم را از تصمیم گیری های کلان ملی به دور ساخته است، انتخابات پارلمانی نشان داد که میزان مشارکت مردم در سطح پائین بود. مردم در روستا ها در فکر یک لقمه نان هستند و این فرایند روند دولت داری را به کندی مواجه ساخته است. در همین حال برخی از موارد دیده شده است که جوانان بیکار به صفوف مخالفان پیوسته اند. فاصلهٔ ایجاد شده بین دهات و شهرها که نتیجهٔ بی توجهی هاست می تواند هم در کو تاه مدت و در راز مدت خطر آفرین و زیانبخش باشد.

راه حل ها:

توجه به روستاها نیازمند طرح های جامع در عرصه های مختلف و سهم گیری نهاد های مدنی و مردمی را می طلبد. این طرح ها باید شامل برنامه ریزی برای ایجاد راه های مواصلاتی، خلق زمینه های کار، به کار گیری فرصت ها و ظرفیت های محلی، و بازاریابی برای آنها را در بر می گیرد. به طور قطع دولت نمی تواند در مرفوع ساختن مشکلات دهات به تنهایی کارساز واقع گردد، در پهلوی فعالیت های نیم بند حکومت، نهاد های مدنی که آمیزه یی از کادرهای متخصص و درد مشترک مردم اند، می توانند با سهم گیری فعال شان مشکلات مردم را شناسایی نموده، توجه نهاد های تطبیق کننده را به مشکلات مردم معطوف بدارند.

سفر وزیر داخله به شمال کشور و امیدواری ها برای بهتر شدن امنیت



جنگ در افغانستان یک سال پیش تقریباً سراسری شده بود، شورشیان طالب وحامیان آنها با استفاده از برخی شگردها در پی بدامن سازی ولایات شمال اند. انگیزه هایی که طالبان در شمال دست به تحرکات زد، برمی گشت به اوضاع حاکم و فضای ایجاد شده پس از سقوط رژیم طالبان در آن مناطق.

پروژهٔ بدامن سازی شمال، سنجیده شده و از نکات عمدهٔ استراتیژی کسانی بود که جنگ را علیه مردم افغانستان و دولت مرکزی راه اندازی نموده اند.

انتقال جنگجویان خارجی و جنگ افزار ها توسط هلیکوپتر های خارجی از جنوب به شمال پرسش هایی را نزد مردم مطرح ساخته بود.

افشای دسیسه های پت و پنهان حلقات معلوم الحال، موقف گیری به جا و درست والی ولایت بلخ در این مورد یکی از دست آورد های خوب به حساب می رفت.

در پی این افشاگری ها، دولت مرکزی سلسله تغییراتی را در ساختار امنیتی شمال به وجود آورد که این رویکرد در کوتاه مدت در اوضاع امنیتی کشور نتیجهٔ مثبت داده است.

تقرر شخصیت شجاع و نترس دوران جهاد و مقاومت مردم افغانستان، جنرال محمدداوود داوود به صفت فرماندهٔ زون ۳۰۳ پامیر و راهکار های سنجیده شدهٔ او در برگرداندن اوضاع آشفتهٔ امنیتی نتایج چشمگیر داشت.

تغییرات در رهبری وزارت داخله نیز اوضاع امنیتی را در سراسر کشور به ویژه شمال نسبت به یک سال پیش بهتر ساخته است.

عملیات تصفیوی در قندز و بغلان در برگرداندن صلح وثبات در این مناطق کمک نموده است.

در لابلای تلاش ها، اینک جنرال بسم الله محمدی وزیر داخله در هفتهٔ گذشته سفری به ولایات شمال کشور داشتند و اوضاع امنیتی را از نزدیک بررسی نمودند.

وی در سفری که به ولایت شمال کشور داشت، در رأی زنی با بزرگان قومی و مسوولان امنیتی، راجع به تأمین امنیت وثبات در کشور راهکار های ملی و مردمی را به بحث و مشوره گرفت. وزیر داخله از نزدیک مشکلات آنان را به بررسی گرفت و از مردم خواست در رابطه به ایجاد هماهنگی در تأمین امنیت، میان مردم دولت و تطبیق پروژه های توسعه یی در مناطق خود توجه بیشتر نمایند.

بدون شک سفرهای کاری مقامات امنیتی نقش به سزایی را در آوردن امنیت دارد. با توجه به شناختی که آقای محمدی از مردم، دشمن وجغرافیای جنگ در شمال دارد، سفر وی و همراهانش بی دست آورد نخواهد بود و انتظار می رود که در اوضاع امنیتی شمال تغییرات چشمگیری به وجود آید.

بی توجهی به ظرفیت های رشد اقتصادی...

این دریا شبانه در بسیاری از قسمت های شهرفیض آباد شنیده می شود ولی باشندگان شهر فیض اباد با کمبود آب آشامیدنی و انرژی برق روبروهستند.

بازمحمد احمدی والی پیشین بدخشان می گوید: تلاش های زیادی را به منظور احداث پروژه های تولید کننده انرژی برق ترکیز کرده بود که در نتیجه آن یکی دو بند برق در آینده در این ولایت احداث خواهد شد، اما عملا شهر تاریک است و برق نیست. و آقای احمدی که چنین ادعا هایی داشت با بدخشان محروم عملا وداع کرده و به کرسی بالاتری از ولایت بدخشان تکیه زده است.

ازسوی دیگر بدخشان یکی از غنی ترین ولایات از جهت داشتن مواد معدنی است، انجینر ذکریا آمر معادن بدخشان می گوید:" ولایت بدخشان از نگاه معادن یکی از غنی ترین ولایت های افغانستان بوده که موادی از قبیل لعل، یاقوت، لاجورد، بیروج، اکومورین و اقسام معادن در بدخشان به شمول طلا موجود است".

آذرخش حافظی رئیس روابط اتاق های تجارت افغانستان می گوید، براساس سروی که از سوی اداره زمین شناسی ایالات متحده امریکا صورت گرفته است، ۲۷ درصد کل مواد معدنی افغانستان که قیمت آن به یک تریلیون دالر یعنی یک هزارمیلیارد دالر می شود، در بدخشان وجود دارد.

اما متاسفانه ازتمام این ظرفیت های معدنی که در بدخشان وجود دارد در حال حاضر تنها سنگ لاجورد بدخشان استخراج می شود، مسوولان اداره آمریت معدن بدخشان میگویند که پس از تلاش های زیاد بر استخراج این معدن کنترول حاصل کرده اند.

آمر معدن بدخشان می گوید:" در سال ۱۳۸۸ مجموعاً سنگ لاجوردی که از معدن بدخشان استخراج شده پنجصد و نود وپنج هزار و نه صد و چهل کیلو گرام لاجورد بالغ می شود و از مجموع لاجورد استخراج شده پنج میلیون و سه صد و پنجاه و هشت هزار و هفت صد و پنجاه و نه افغانی عاید بدست آمده است".

اما نحوه استخراج معدن لاجورد بدخشان هنوزهم مورد انتقاد قرار دارد و گفته می شود که استخراج معدن لاجورد به صورت غیرفنی صورت می گیرد.

حاجی محمداکبر خالد عضو تفتیش وزارت معادن افغانستان چندی قبل غرض تفتیش به بدخشان آمده بود، به آژانس خبری پژواک گفته است که طی سه دهه جنگ و هم اکنون نیز لاجورد، از سوی افراد غیرمسلکی به صورت غیرمعیاری و به شکل های متفاوت استخراج می گردد.

وی استفاده از مواد انفجاری بخاطراستخراج لاجورد را، از جمله شیوه های غیرمعیاری خوانده گفت که با استفاده از شیوه های غیرمعیاری، عواید حاصله از لاجورد کمتر از میزان، ضرری است که به این معادن وارد می شود.

انجینیر ذکریا مشکل استخراج غیر فنی معادن لاجورد بدخشان را رد نمی کند ولی می گوید که اداره تحت امر او از بسیاری خودسری هایی که در گذشته وجود داشت جلو گیری کرده است.

در همین حال آذرخش حافظی آگاه در مسایل اقتصادی درمورد نحوه استخراج از معدن بدخشان می گوید:" از معادن در بدخشان بسیار بی رویه استفاده می شود، طور مثال لاجورد بدخشان توسط دینامیت، همچنان لعل ویاقوت بدخشان توسط مواد منفلقه انفجار داده می شود و این انفجار سبب می شود که مواد استخراج شده اهمیت خود را از دست می دهد". اقای حافظی می گوید:"مواد استخراج زمانی که توسط مایکروسکوپ های بسیار قوی دیده شود، نشان می دهد که ده ها درز دارد و قیمت آن صد درصد کاهش می یابد و از سوی دیگر این عمل سبب می شود که مواد باقی مانده در داخل نیز از بین برود".

آگاهان امور اقتصادی می گویند که لاجورد بدخشان با کیفیت ترین لاجورد دردنیا است و در هیچ جای جهان لاجوردی به پیمانه لاجورد بدخشان با کیفیت یافت نمی شود. از سویی هم چندی قبل داکترصبغت الله خاکساری رئیس اجرائیه بدخشان که نحوه استخراج معادن بدخشان را از نزدیک مشاهده کرده بود، از وجود گازهای خطرناکی در داخل حفره ها سخن گفته بود که سلامت کار گران را به خطرانداخته است.

آقای خاکساری همچنان گفته بود که استفاده از مواد انفجاری در برخی مورد سبب مجروح شدن کارگران در این معدن شده است.

و این معدن هنوز هم توسط حالات بسیار اولیه و انفجار استخراج می گردد و این امر بدون شک باعث می شود به مواد موجود در معدن ضربه می زند.

البته در پهلوی این مولفه ها، دام پروری یا مالداری و گردشگری دو کانال بزرگ دیگر اقتصادی است که بدون شک نقش بزرگی در رشد اقتصادی بدخشان و حتی افغانستان دارند.

بدخشان با داشتن جاذبه های توریستی یکی از مناطق دیدنی افغانستان است، جاذبه های توریستی که در بدخشان وجود دارد، مختص به خود این ولایت است از سویی هم امنیت خوب این ولایت از شاخصه های مهمی هستند که جهانگردان را به آن علاقمند می سازد. و حاکمیت محلی و دولت افغانستان در سطح ملی می توانند با کشیدن پای گردشگران بین المللی به این ولایت یک منبع خوب در آمد اقتصادی را در این ولایت فعال ساخت. اما چکاری در این عرصه صورت گرفته است؟

محمددین خواهانی رئیس اطلاعات و فرهنگ بدخشان می گوید:" راه اندازی فستیوال های توریزم در سال ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ با اشتراک مهمانان ملی و بین المللی درسرحدات بروغیل ولسوالی واخان به همکاری شبکه انکشافی آغاخان عمده ترین گام هایی بود که در قسمت جلب توریزم صورت گرفته است".

حامد قاضی زاده یکی از آگاهان امور زراعت و دامپروری در بدخشان می گوید": سرمایه گزاری در بخش دامپروری و عصری ساختن آن با توجه به این که خود مردم نیز تجربه مالداری دارند، پردر آمد ترین منبع اقتصادی را روی کار ساخت و صدها زمینه شغلی ایجاد کرد و بیکاری که جانکاه ترین درد مردم بدخشان است، آن را مهار نمود".

از سوی دیگر در بدخشان هزاران گیاه ارگانیک طبیعی که می شود از آن در ساختن داروهای طبی استفاده شود، وجود دارد، که به گونه مثال می توان از شیرین بویه نام برد، گیاهی که در بدخشان به صورت وافر وجود دارد و این گیاه به برخی از کشورهای غربی نیز صادر می گردد. بادام تلخ که آگاهان امور درمانی می گویند که از بادام که در بدخشان به صورت فراوان یافت می شود، برای ساختن انلجیزیک های بسیار قوی برای کاهش درد مفاصل و چربی خون به کار میرود، که اگر توجه شود، می توان دستگاه های دواسازی در این ولایت ایجاد کرد.

با وجود این همه ظرفیت هایی که وجود دارد، بیکاری، فقر درماندگی، نبود راه های مواصلاتی، عدم دسترسی به خدمات درمانی، آموزش و پرورش از عمده ترین مشکلات مردم بدخشان است. اما از این ظرفیت های بالقوه که در بدخشان وجود دارد، برای زدودن فقر و فراهم اوری زمینه اولیه زندگی برای شهروندان این ولایت کاری صورت نمی گیرد.

مقامات عالی رتبه دولتی هرگاهی که به این ولایت می آیند، فقط سفرهای تشریفاتی است که در مهمانخانه های لوکس زندگی می کنند و هیچ گاهی نشده است که وزیری مشکل مردم بدخشان را از زبان خود مردم شنیده باشد.

تداوم فقر و بیکاری در این ولایت و عدم استفاده از ظرفیت های موجود بدخشان در دراز مدت زنگ خطر نا امنی را به صدا خواهد آورد.

افغانستان ته د یوسف رضا گیلانی ...

د کراچۍ څخه تیولي تر تورخم پورې د سلو په شاوخوا کې لارۍ د نامعلومو کسانو لخوا سوزولی شوې او پدې ترتیب سره بیا درې اونۍ وړاندې د امریکا ولسمشر هندوستان ته یو اوږد سفر وکړ چې د سفر پر مهال یې د هندوستانی چارواکو سره د سوداګرۍ پراخول اوسیاسي همکاریو وعده کول یو بل فشار وو چې د پاکستان پر حکومت یې وارد کړ. همدارنګه بلخوا ته د کرزي واك ته له رسیدو وروسته د نوموړي په حکومت کې د اداري فساد او مافیایی کړیو پراخه نفوذ هغه څه دي چې د امریکا اوسني ولسمشر اوباما او کرزي ترمینځه یې د بې باورۍ واټن نورهم زیات کړی دی. د ګیلاني له همدې سفر څخه یوه ورځ وروسته د اوباما د باګرام هوايي ډګر ته په یو نا اعلان شوي سفر سره راتګ، څو د خپلو پوځی چارواکو سره وګوري او له کرزي سره د هوا د خرابوالي په بهانه په تلفون باندې په خبرو کولو سره اکتفاء وکړي، هغه اشاري دي چې د کرزي د دولت هم د امریکا سره د اړیکو په خرابېدو دلالت کوي. نو د دې دواړو هیوادونو وضعیتونه دا په ډاګه کوي چې له بلې هرې مرحلې څخه د افغانستان او پاکستان یو بل نږدې کیدل د وخت ستره اړتیا ده، هغه کار چې د افغانستان د دولت لخوا د سولې د شورا له اعلان وروسته خپل اهمیت نورهم زیاتوي: ځکه ترڅو چې د پاکستان هیواد د سولې په لور قدم اخستلو کې په باور کې وانخستلی شي د سولې د شورا هڅې هغومره ګټورې نه تمامیږی په کومه کچه یې چې اړتیا لیدل کیږي او دا هغه حقیقت دی چې تجاربو په ډاګه کړی او د پاکستان صدراعظم یوسف رضاء ګیلانی هم ورته د خپل سفر پر مهال په خپلو خبرو کې اشاره وکړه، همدارنګه دغه دواړه ګاونډي هیوادونه د یو ډول ګواښ سره مخ دي: ځکه په سیمه کې د ترورېزم (!) پر خلاف روانه جګړه اوس هغه پړاؤ ته داخله شوې چې که د افغانستان دولت لپاره ګواښ دی نو په همدومره کچه د پاکستان لپاره هم ګواښ دی، همدارنګه له بلې خوا په سیمه کې د سوداګریزه پراختیا ایجابوي چې که افغانستان او پاکستان په خپلو کې د سوداګرۍ ته د ودې ورکولو لپاره په خپل مینځ کې د بې باورۍ کچه را ټیټه نکړي نو د سیمې نور هیوادونه به ورڅخه مخکې وي نو ځکه اړینه ده چې دواړه هیوادونه په خپلو مینځونو کې یو بل ته د سوداګرۍ زمینې برابرې کړي او د سوداګرۍ د ودې په لر کې پراته خنډونه او ګواښونه لیرې کړي چې روانه جګړه یې پدې لړکې ستر ګواښ دی.

او اوس د دې وخت را رسیدلی دی چې د سیمې دواړه هیوادونه د ترورېزم (!) پر خلاف د روانې جګړې څخه (چې دواړه ورڅخه متضرر کیږي) ځانونه یو بل ته په نږدې کیدو سره خلاص کړي.

همدارنګه د سیمې دغه دواړه هیوادونه له امنیتي ستونزو پرته ډیر اوږد سرحد او یو بل ته اړتیا لري چې په همغږۍ سره کولای شي په مختلفو اړخونو لکه روغتیاء، تعلیم، سوداګري او د مخدره موادو پر خلاف مبارزه کې له یو بل سره همکاري وکړي، په ځانګړې توګه د پاکستان د سوداګرۍ په وده کې افغانستان مهم رول لري: ځکه دغه هیواد د منځنۍ آسیا هیوادونو ته د خپلو مالونو د رسولو لپاره یوازینۍ کم لګښته لیار لري او هغه د افغانستان لیار ده چې ددې خبرې مصداق او توثیق د دواړو هیوادونو په خاوره کې د ترانسپورتی وسایلو د آزادانه تګ راتګ تړون دی چې څه موده وړاندې د دواړو هیوادونو د سوداګریو د وزیرانو لخوا په اسلام آباد کې لاسلیك شوی و او بیا د پاکستان پارلمان هم منظور کړ.

د یوسف رضاء ګیلانی د سفر پرمهال د نوموړي د سولې د عالي شورا له مشر استاد برهان الدین رباني سره لیدنه او ورڅخه پاکستان ته ددغه هیواد د مدني ټولنو او چارواکو سره لیدنې لپاره بلنه که استاد رباني یې ترسره کړي، ښايي په ریښتیني توګه ددغه هیواد سیاسي ګوندونو او مدني ټولنو سره د لیدنې له لیارې د سولې په لیار کې موجودې غوټې خلاصې کړې او په ځانګړې توګه د اسلامي ګوندونو له مشرانو سره لیدنه پدې لړ کې مهم رول لوبولی شي.

خط لولهٔ گاز موسوم به...

هر روز چالش ایجاد می کنند، در حال حاضر عملی شدن انتقال خط لوله گاز به هند محتمل به نظر می رسد.

طالبان که برای ادامهٔ فعالیت های خود از منابع مختلف و حتی از کاروان های اکمالاتی امریکا باج می گیرند ، بدون شک با برهم زدن امنیت در مسیر خط لولهٔ گاز یا از ادامهٔ کار جلوگیری می نمایند و یا هم در مواردی یا مختل نمودن اوضاع به باجگیری می پردازند که در هر دو صورت، روند فعالیت ها به تعویق خواهد در آمد.

هرچند دو روز بعد از امضای توافق نامه وحید الله شهرانی وزیر معادن افغانستان، مدعی شد که دولت افغانستان مصمم است، قطعهٔ نظامی را که متشکل از ۵۷۰۰ نفر می باشد برای تأمین امنیت این پروژه استخدام نماید. اما اگاهان امور می گویند، حکومتی که با حضور پنج صد هزار نیروی داخلی و خارجی نتوانسته امنیت را طی ده سال گذشته در کشور سراسری سازد، چگونه می تواند با پنج تا پنج و نیم هزار محافظ نظامی چالش های امنیتی را در مسیر خط لولهٔ گاز تأمین نماید؟.

چالش های سیاسی: در عمده ترین تلاش های حکومت افغانستان مبنی بر احیای این پروژه، مهندس جمعه محمدی وزیر معادن پیشین کشور در سال ۲۰۰۳ میلادی در سفری که به پاکستان داشت در یک سانحهٔ هوایی جان خود را از دست داد که بدون شک مرگ او رابطهٔ تنگاتنگ به این موضوع داشت. خط لولهٔ گاز موسوم به تاپی بر علاوه یی که برای کشور های شامل در این توافق نامه، اهمیت اقتصادی دارد،از اهمیت و چالش های سیاسی نیز برخوردار است. این خط می تواند منجر به نزدیکی کشورهای منطقه گردیده و در همگرایی بیشتر ثبات سیاسی را که حیثیت زیر بنایی را دارد فراهم سازد. اما اگاهان سیاسی می گویند انتقال این خط برای پاکستان، کشوری که در مسیر این خط قرار دارد و از ان لبِ منفعت اقتصادی را کمایی می نماید، در موقعیت استراتیژیک قرار ندارد. این کشور بیشتر از بی ثباتی و محرومیت کشورهای منطقه سودهای کلانی را به دست آورده و به صفت ژاندارم منطقه همواره تلاش نموده، با راه اندازی چالش های امنیتی هر نوع بهره برداری را برای همسایه های جنوبی و شمالی اش منتفی سازد. به باور اگاهان امور، وقتی دیده می شود، تصمیم گیرنده های اصلی در مسایل سیاسی منطقهٔ، حلقاتی بیرون از ساختار معمول در آن کشور وجود دارد، بناءً باور مندی برای داشتن نیت صاف و بدون اغراض آن کشور راجع به تلاش های سودگرایانه به سوالات زیادی رو برو می گردد. چنانچه در تازه ترین توافق نامهٔ ترانزیتی بین افغانستان و پاکستان چندی پیش به امضا رسید، دیده شد که تا هنوز پاکستان گام های عملی را نه برداشته و برای تجار افغانستان درد سر ایجاد می کنند. کما این که مقامات وزارت تجارت هفتهٔ گذشته بعد از اعلام توافقنامه، نسبت به این موضوع در حضور رسانه ها شکایت نمودند.

از سوی دیگر کشور ایران نیز از عقد این توافق نامه راضی نیست، این کشور تلاش داشت تا گاز ترکمنستان از طریق خاک ایران توسط خط لولهٔ گاز موسوم به "صلح" به جنوب آسیا انتقال یابد، اما با توجه به روز افزون شدن فشار های غرب بالای این کشور، مشتریان جنوب آسیا از جمله هند مسیر افغانستان را ترجیح دادند.

با توجه به نزدیکی ایران با این خط لوله و دل دقی این کشور نسبت به آن، وسواس هایی وجود دارد، در صورتی که ایران بخواهد می تواند با مسلح سازی نیروهای نفوذی در ماورای مرز، در روند کار مشکل ایجاد نماید.

روی هم رفته توافق نامهٔانتقال گاز، نه تنها برای افغانستان، بلکه برای کشورهای منطقه از اهمیت خوب اقتصادی و سیاسی برخوردار است، امیدواریم همه همسایه های ما همانگونه که می خواهند مردمان خودشان در رفاه وآسایش به سر ببرند، نیت خیرشان را نسبت به افغانستانی که از محروم ترین کشور های دنیا محسوب می شود نیز داشته باشند و از هر گونه تلاش هایی که منجر به توسعهٔ این کشور می گردد، حمایت نمایند.

هفته نامهٔ

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهادکردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می‌کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

ارگان نشراتي جمعيت اسلامي افغانستان

دور ششم – سال نهم – شمارهٔ سی و دوم ۲۷ قوس ۱۳۸۹   ۱۱ محرم ۱٤۳۱ – 18 December 2010

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد.
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

افغانستان ته د یوسف رضا گیلاني وروستی سفر او پایلې

ن شفیق

دوه اونــــۍ مخکـــې د گاونـــډي هیـواد پاکستان صدر اعظم پـه یـو دوه ورځنـي سـفر کابـل تـه راغلـی وو چـې د خپـل سـفر پـر مهالـ یـې د هیـواد لـه ولسمـشر حامـد کـرزی سـره لیدنـه او د کابل پـه کارتـه پـروان سیمه کې ددغـه هیـواد د سفارت نـوې ودانـۍ پرانستل د سفر دوه مهمې موخې وې کـه څـه هم پاکستاني چـارواکو (پخواني ولسمشر مشرف او اوسني ولسمشر زرداري) هـم وخـت ناوختـه زمـونږ هیـواد تـه رسمي سفرونه انجام کړی وو خـو د پاکستان د اوسنی صدر اعظم لـه ځـو اړخونـو څخـه د یـو ځـانگړي اهمیـت لرونکی سفر گڼل کیږي. څکه لـه یـوې خوا د ولسمشر پـه پرتلـه ددغـه هیـواد د صـدراعظم منـصب ددغــه هیــواد د اساسـی قـانون لـه مخـې پیـاوړی وي او لـه بـل پلـوه د زرداري پـه پرتلـه گیلانـي



پـه پاکستانی سیاسي کړیو کې او هـم پـه نړیوالـه ټولنـه کې بـاور ډیر لري نو اړینـه ده چې د نوموړي کابـل تـه سـفر (پداسـې حـال کـې چې واك تـه لـه رسیدو وروسـته یـې لـومړی سفر دی) د اهمیت لرونکـی سفر دی

همدارنگـه د گیلانـی سفر پداسـې شرایطو کې ترسره کیږي چې د ناټو غړو هیوادونـو لزبـون کنفـرانس کـې پریکـړه کړې چې تر دوه زره څوارلسم کالـه پـورې بـه امنیـت پخپلـه د افغانستان امنیتـی ارگـانونو تـه سپارلی کیـږي او د افغانستان امنیتـي ارگانونـه بـه د کـم او کیفیت لـه مخـې پـدې مـوده کـې پیـاوړی کـولای شي. پداسې حال کې چې نـږدې دوه میاشتې وړانـدې د پاکستان پـه یـوه قبایلي سیمه کې د امریکایي چورلکـو د بمبـاری پـه نتیجـه کـې د څـو تنـو پاکستاني ملیشو پـه وژل کېدو د امریکا او پاکستان اړیکې هغـه مهال خړې شوې چې د ناټو ځواکونـو تـه د اکمالاتی لاریـو د پاکستان پـه خـاوره کـې د راتیریـدل لـه گواښ سره مخ شو او

۷مخ

خط لولهٔ گاز موسوم به تاپی TAPI

اهمیت و نگرانی ها

ندرالله عنایت



هفتهٔ گذشته تاریخ ۲۰ قوس سال جاری توافقنامهٔ انتقال خط لوله گاز ترکمنستان، از راه افغانستان و پاکستان به هند، میان مقامات عالی رتبه این کشورها به امضا رسید.

براساس این توافقنامه، خط لولهٔ انتقال گاز در حدود ۱۷۳۵ کیلومتر مسیر ترکمنستان الی هند را در بر می گیرد که در مناطق طرف های ذیدخل در داخل مرزهای سیاسی شان احداث خواهد شد.

قرار گفته های مقامات حکومت، ۹۱۷ کیلومتر خط لولهٔ گاز در داخل خاک افغانستان می باشد که کار عملی این پروژه از سال ۲۰۱۲ شروع و تا پایان سال ۲۰۱۵ یعنی الی مدت چهار سال تمام می گردد.

این پروژه باظرفیت انتقال ۳۳ میلیارد متر مکعب گاز در سال، ۹۰ میلیون متر مکعب در روز احداث می شود که هزینه های مصرفی آن، بالغ به ۸ میلیارد دالر می رسدکه به اساس توافقات صورت گرفته بانک انکشافی آسیایی متعهد گردیده، تا بخش اعظم مصارف این پروژه را بپردازد.

در برنامهٔ انتقال گاز ترکمنستان به هندوستان، سهم کشور مان در حدود ۵،۱ میلیارد متر مکعب می باشد که در بخش های مختلف استفاده شده و از جمله مردمان ماورایی به طور رایگان مستفید خواهند شد.

کارشناسان مسایل سیاسی و اقتصادی معتقد اند که یکی از دست آورد های مهم دوره های دوگانهٔ حکومت آقای کرزی برای کشور، امضای این توافق نامه می باشد. زیرا این پروژه برای افغانستان و در کل کشور های منطقهٔ جنوب آسیا، اهمیت زیاد اقتصادی دارد و در پهلوی این که هزاران انسان صاحب کار می شود، سالانه از بابت حق العبور گاز از مسیرکشور ۳۰۰ میلیون دالر به نفع افغانستان وارد می شود.

اما در عین حال چالش ها و نگرانی هایی بر سر راه تطبیق این برنامه هم در داخل کشور و هم به سطح منطقه وجود دارد که می تواند گام های عملی آن را به بن بست بکشاند.

چالش های امنیتی: کار بالای پروژهٔ انتقال گاز ترکمنستان از مسیر افغانستان، پاکستان، به هند از ۱۹ سال به این طرف آغاز شده بود، اما چالش های امنیتی تلاش های گذشته را یکی پی دیگری خنثا نمود.

شرکت های بریداس ارجنتاین و یونیکال امریکایی از پیش گامان این تلاش ها بودند. شرکت ارجنتاینی را تلاش های یونیکال منصرف ساخت و تلاش های یونیکال را حضور طالبان در دههٔ نود و ادامهٔ جنگ در کشور به عقب انداخت.

برنامهٔ نا امن سازی کشور تا به هنوز ادامه دارد و خیلی از آگاهان به این باور اند در شرایطی که طالبان حضور نظامی خود را کماکان حفظ نموده و با گذشت

ص۷

بی توجهی به ظرفیت های رشد اقتصادی در بدخشان

*** محمد شریف شایق ***



هر چند با اسفالت جاده تالقان- فیض آباد مرکز ولایت بدخشان، نشانه هایی از تحول در شهر فیض آباد مرکز این ولایت به چشم می خورد، اما روستاهای دور افتاده بدخشان همچنان خالی از جلوه های انکشافی است و نشانه های فقردر سیمای باشندگان این مناطق به خوبی مشاهده می شود.

باور به انکشاف بدخشان در میان شهروندان این ولایت کمتر مشاهده می شود، بدخشان چه زمانی از نگاه اقتصادی گام هایی به جلو بر می دارد؟ پرسشی است جاری بر سر زبان هر شهروند بدخشان.

اما به واقعیت چه عواملی در این ولایت برای رشد اقتصادی موجود است وچه ظرفیت هایی در بدخشان نهفته است؟ چقدر از ظرفیت های موجود بدخشان بهره برداری صورت گرفته است؟ مهمترین پرسش هایی است به یافتن پاسخ به آن ها می پردازیم:

کارشناسان اقتصادی می گویند که ذخایر مواد معدنی فراوان، زمینه مساعد برای دام پروری، داشتن جذبه های گردشگری، منابع آبی فراوان از مولفه های رشد اقتصادی بدخشان به حساب می آیند.

آذرخش حافظی رئیس روابط خارجی اتاق های تجارت افغانستان می گوید:"بدخشان با داشتن یازده هزار میگا هایدروپاور بالقوه در آب های خود یکی از مولفه های رشد اقتصاد ملی افغانستان است".

اما با وجود این همه ظرفیت موجود آبی برای تولید انرژی برق در بدخشان، تاکنون شهر فیض آباد مرکز این ولایت فقط برای چهار ساعت شبانه توسط ماشین های دیزلی روشن می شود و قیمت فی کیلووات برق در مرکز این ولایت ۴۰ افغانی به فروش می رسد که بسیار طاقت فرساست.

هرچند دستگاه های تولید کننده انرژی برق کوچک در بسیاری از ولسوالی های این ولایت ساخته شده است ولی چیزی زیر بنایی و اساسی نیست که بتواند پاسخگوی نیاز های اساسی باشندگان آن مناطق باشد.

دریای خروشان کوکچه که از میان شهر فیض آباد مرکز این ولایت می گذرد، صدای تلاطم آب سرگردان

ص۷

آگهی

دفتر هفته نامهٔ مجاهد از بهارستان به چهارراه دهمزنگ، به استقامت سرک دارالامان، دست چپ، نرسیده به هوتل کابل شاهان، انتقال نموده است. خوانندگان عزیز مطلع باشند.

ادارهٔ هفته نامهٔ مجاهد